



Predicting the Attitude to High Risk Behaviors Based on Brain Behavioral System and Personality Traits with Mediating Role of Parenting in Secondary school students of Qom Province

Bahar Moghaddami, M.A

Department of Psychology, Mahallat Branch, Islamic Azad University, Mahallat, Iran.

Mohammad mehdi Jahangiri. Ph.D

Assistant Professor, Department of Psychology, Mahallat Branch, Islamic Azad University, Mahallat, Iran

Abstract

The aim of this study was to predict the tendency to high-risk behaviors based on brain-behavioral system and personality traits with the mediating role of parenting in Secondary school students in Qom province. The presented research is of correlational type and the statistical population includes all students under 18 years of high school in Region 4 of Qom province in the academic year of 1998-99. (2011) complemented the behavioral brain system (Carver and White, 1994), parenting styles (Bamrind, 1972), and Hexago personality traits (Ashnon and Lee, 2000). Based on the results of this study, the proposed model of optimal fit was allowed. In general, the court results of all direct routes were significant ($P < 0.01$). The indirect path of parenting styles was also significant for high-risk behaviors through personality traits and brain-behavioral systems. The seismic model uses optimal well-being and is an important step in identifying the factors influencing high-risk behaviors; You may be able to use it as a role model for developing risk-reducing behavior programs.

Keywords: High Risk Behaviors, Brain Behavioral System, Parenting Styles, Personality Traits

پیش‌بینی گرایش به رفتارهای پرخطر بر اساس سیستم مغزی رفتاری و ویژگی‌های شخصیتی با نقش واسطه‌ای والدگری در دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه استان قم

بهار مقدمی

کارشناس ارشد، گروه روانشناسی، واحد محلات، دانشگاه آزاد

اسلامی، محلات، ایران

محمد مهدی جهانگیری*

استادیار گروه روانشناسی، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران.

چکیده

هدف این پژوهش پیش‌بینی گرایش به رفتارهای پرخطر بر اساس سیستم مغزی رفتاری و ویژگی‌های شخصیتی با نقش واسطه‌ای والدگری در دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه استان قم بود. پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی و جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان زیر ۱۸ سال دوره متوسطه منطقه ۴ استان قم در سال تحصیلی ۹۸-۹۹ بود. ۳۶۰ نفر به روش نمونه‌برداری در دسترس انتخاب و پرسشنامه رفتارهای پرخطر (zadeh mohamady, 2011)، سیستم مغزی رفتاری (Carver, & White, 1994)، سبک‌های والدگری (Baumrind, 1972) و ویژگی‌های شخصیتی هکراگو (Ashnon and Lee, 2000) را تکمیل کردند. بر اساس نتایج این پژوهش، مدل پیشنهادی از برازش مطلوبی برخوردار بود. به طور کلی نتایج نشان داد تمام مسیرهای مستقیم معنادار شدند ($P < 0.01$). مسیر غیرمستقیم سبک‌های والدگری نیز از طریق ویژگی‌های شخصیتی و سیستم مغزی رفتاری بر رفتارهای پرخطر معنادار بود. مدل ارزیابی شده از برازندگی مطلوبی برخوردار است و گام مهمی در جهت شناخت عوامل مؤثر بر رفتارهای پرخطر است؛ بنابراین می‌تواند به عنوان الگوی مناسبی برای تدوین و طراحی برنامه‌های کاهش رفتارهای پرخطر باشد.

واژه‌های کلیدی: رفتارهای پرخطر، سیستم مغزی رفتاری، سبک‌های والدگری، ویژگی‌های شخصیتی

مقدمه

فعال‌کننده رفتار حساسیت بالقوه فرد در مقابل پاداش را ایجاد می‌کند و انگیزه کشف آن‌ها را ایجاد می‌کند، در صورتی که سیستم بازداری رفتار بر حساسیت فرد به تنبیه تأثیر دارد و آن‌ها را به‌طور بالقوه برای تنبیهات واجتناب از آن‌ها آماده می‌کند (Erdle, Rushton, 2010). یافته‌های متفاوت نشان داده‌اند که افزایش، کاهش، یا ازدست دادن تعادل در عملکرد این سیستم‌ها منجر به رفتارهای پرخطر در نوجوانان می‌شود. به عنوان مثال فعالیت و حساسیت بالای سیستم فعال‌سازی رفتاری به اعمالی منجر می‌شود که در راستای کسب پاداش و به شکل تکانه‌ای انجام می‌پذیرد و در نهایت به بروز رفتارهای پرخطر می‌انجامد (Sadri, Damirchi, Honarmand Ghojebegloo, Amir, Gholizade, 2019).

در بررسی ادبیات پژوهشی مطالعات، تحقیقات Hassani, Khalajji (2017) نیز به رابطه معنی‌دار بین رفتارهای پرخطر و سیستم مغزی رفتاری اشاره داشته‌اند. همچنین (2016) - Corr بیان می‌دارد این سیستم با رفتارهای پرخطری همچون اعتیاد در رابطه است.

(Faravani, Amini, Deyreh, Shafiabadi, 2019).

(Tapper, Baker, Jiga-Boy, Haddock, & Maio 2015). Stevens, Verdejo-García, A., Roeyers, Goudriaan, & Vanderplasschen (2016) Volkow Nora & Morales Kim-Spoon, Deater-Deckard, Holmes, Lee, & Chiu McCloskey (2016) Eichen, Chen, Schmitz, Arlt, (2016).

(2016) McCloskey & نیز بیان داشتند رفتارهای پرخطر با سیستم مغزی رفتاری رابطه دارند. همچنین محققان بر این باورند که رفتار مخاطره‌آمیز نوجوانان پیش از آن‌که مربوط به مراحل رشدی باشد، انطباقی در جهت سازگاری با شرایط سخت زندگی است و در این انطباق، شخصیت (personality) و عوامل زیست محیطی نوجوان دخیل هستند. در این راستا Diclemente, (2013) اعتقاد دارند که اولین عوامل مؤثر در گرایش به رفتارهای پرخطر، عوامل روان‌شناختی هستند. یکی از مهمترین عوامل روان‌شناختی ویژگی‌های شخصیت افراد است و هدف از بررسی شخصیت، پیش‌بینی رفتار است، تحقیقات نیز از مستعد بودن شخصیت در بروز رفتارهای ناسازگارانه و

نوجوانی (adolescence) دوره‌ای بین کودکی و جوانی است. این دوران دربردارنده سال‌های بحرانی بلوغ می‌باشد و تغییرهای جدیدی را برای نوجوانان ایجاد می‌نماید؛ که به دلیل ایجاد توانایی فوق‌العاده جسمانی، عقلی و عاطفی، اهمیت فراوانی در زندگی افراد دارد. رشد جسمی، جنسی و شناختی در این دوران دستخوش تغییراتی می‌شود که اثر شگرفی بر رفتار نوجوان دارد (Steinberg, 2019). مجموع این ویژگی‌ها نوجوان را به سمت تجربه کردن موقعیت‌های جدید رهنمون می‌سازد و انبوهی از مشکلات آسیب‌زای سلامت را برای وی به همراه می‌آورد؛ که پیامد رفتار پرخطر (risky behavior) و مشکل‌آفرین است (Alizadegani, Akhavan Tafti, Sadat Kadkhodaie, 2019).

امروزه رفتارهای پرخطر در نوجوانان به صورت یک مسئله جهانی مورد توجه قرار گرفته است و این رفتارها که شامل عادت‌های ناسالم، اختلالات خوردن، رانندگی خطرناک و تصادفات، مصرف تنباکو، الکل و مواد دیگر و خشونت علیه خود و دیگران علاوه بر این، احتمال شیوع رفتارهایی مانند خودکشی و دیگر رفتارهای خود آسیب‌رسان از شیوع بالایی برخوردار است (Varela-Martínez, 2012), Faria, Mato, Cancela, Ayan, Martín, & Molina, 2013 Hatcher, King, Nordberg, Gandolfii, Moura, 2014 (Bryant, Woolen, 2018).

در میان متغیرهایی که در ظاهر شدن رفتارهای پرخطر احتمالاً نقش بازی می‌کنند سیستم مغزی رفتاری (brain-behavior systems) است. با مقدمه نظریه Gary (2000) اختلالات روان‌پزشکی بسیاری بر اساس دو سیستم فعالیت توضیح داده می‌شوند. در پاسخ به محرک محیطی، اساساً به دو سیستم فعال بنام سیستم فعال‌کننده رفتاری (behavior-activation system) و سیستم بازداری رفتاری (behavior-inhibition system) توجه می‌شود (Park, Park, Lee, Jung, Lee, Choi, et al. 2013). سیستم فعال رفتاری مسئول رفتارهای پاسخ به تقویت (عاطفه مثبت) و سیستم بازداری رفتاری مسئول پاسخ دادن به رفتارهای بازداری برای خطر و تنبیه (عاطفه منفی) است. به بیانی دیگر، سیستم

(Schofield, Holst & Murphy, 2017). سبک‌های والدگری (parental styles) الگوهای استاندارد تربیت فرزند هستند که والدین در برخورد با فرزندان خود اعمال می‌کنند و در شکل‌گیری و رشد آنان در دوران کودکی و خصائص شخصیتی و رفتاری آنها تاثیر فراوان و عمیقی می‌گذارند (Derakhshan & poor, KHaky, Shahini, Mohamad & Saghyby, 2016).

Baumrind (1991) سه نوع سبک والدگری مستبدانه (tyrant) (پاسخگویی کم، مطالبه‌گری زیاد)، مقتدرانه (authoritative) (پاسخگویی زیاد، مطالبه‌گری زیاد) و سهل‌گیرانه (relaxing) (پاسخگویی زیاد، مطالبه‌گری کم) (Kamran, besharat & ghorbani, 2019) را با در نظر گرفتن کنترل و صمیمیت والدینی ارائه کرده و پژوهش‌های مرتبط انجام شده نشان داده که این سبک‌ها ممکن است پیامدهای مثبت یا منفی را در کودکان افزایش یا کاهش دهند (Gharagozloo, atadokht, basharpoor & narimani, 2018). در زمینه ارتباط میان سبک‌های والدگری و سیستم‌های مغزی رفتاری می‌توان چنین فرض کرد که والدینی که فعال‌کننده رفتاری فعالی دارند، از فرزندان‌شان بیشتر حمایت کرده و آنان را بیشتر کنترل می‌کنند. آنان از کاوش فرزندان‌شان در محیط و جست‌وجوی محرک‌های جدید پیشگیری نموده و در نتیجه، فرزندان‌شان به مهارت‌های مقابله جهت مدیریت چالش‌های محیطی دست نمی‌یابند. چنین نوجوانی به این باور می‌رسد که کاوش در محیط و تسلط بر آن، فراتر از ظرفیت مقابله وی می‌باشد و بدین ترتیب، در مواجهه با رویدادهای محیطی از راهبردهای اجتناب، کناره‌گیری و وابستگی به مراقبت استفاده می‌کند و به بیان دیگر، سیستم (BIS) وی فعال خواهد شد (Poormohseni Kalory, & Tehrani, 2015). از سویی میزان درگیری و آگاهی والدین از فعالیت‌های فرزندان‌شان با رفتارهای پرخطر ارتباط دارد. بسیاری از جنبه‌های رشد نوجوانان ممکن است در سلامت نوجوانان و رشد رفتارهای پرخطر در وی نقش داشته باشد از جمله گرمی والدین در برابر بی‌تفاوتی و سردی، پذیرش در برابر رد، ساختار در برابر هرج و مرج، استقلال در برابر کنترل زیاد از حد، دخالت در مقابل غفلت، سخت‌گیری در مقابل سهل‌گیری،

آسیب‌شناسی روانی کودکان و نوجوانان حمایت می‌کنند (Mokhtarnia, Zademohammadi, Habibi, Mirzaifar & Egan, 2017). ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که بین، شخصیت و اختلالاتی مثل پرخاشگری، گرایش به رفتارهای پرخطر، اختلالات رفتاری و عاطفی، عدم تربیت صحیح کودکان، بزهکاری و مشکلات یادگیری، رابطه وجود دارد (Barlas & Egan, 2006). یافته‌های پژوهش‌های صورت گرفته بیانگر آن است که برخی افراد، از نظر عوامل شخصیتی بیشتر مستعد خطر کردن هستند (Costa & McCrae, 1992) به طوری که سوء‌مصرف‌کنندگانی که نمرات بالایی در رفتارهای پرخطر دارند، نمرات بیشتری را در متغیرهای نوروزگرای (neuroticism) تکانش‌گری (impulsivity) و هیجان‌خواهی (excitement) دریافت می‌کنند (Tajbadipour & SeyedMirzaei, 2016)، همچنین، در تحقیقی نشان داده شد که افرادی که در برون‌گرایی (extraversion) یا نوروزگرایی نمره بالا و در وظیفه‌شناسی (conscientious) نمره پایینی کسب می‌کنند، بیشترین احتمال ارتکاب رفتارهای پرخطر چندگانه را دارند و افرادی که در وظیفه‌شناسی نمره بالا و در برون‌گرایی نمره پایینی کسب می‌کنند، کمترین احتمال ارتکاب رفتارهای پرخطر را دارند. علاوه بر این، در تحقیقات متعددی به این امر پرداخته شده است که هیجان‌خواهی با سوء‌مصرف مواد، مصرف الکل فعالیت جنسی بی‌قاعده، شرکای جنسی متعدد، تکانش‌گری، قماربازی افراطی، انتخاب مشاغل پرخطر و ماجراجویانه، رانندگی‌های بی‌محابا، خلاق‌کاری، ورزش‌های خطرناک و پر حادثه رابطه دارد (Ghoreishi Rad, Pour & JabbarAkhouni, 2017).

علاوه بر روابط مستقیم مغزی رفتاری و ویژگی‌های شخصیتی در بروز رفتارهای ناسازگارانه، عواملی نیز وجود دارد که با عنوان نقش واسطه‌ای در رابطه بین آنها عمل می‌کنند، که سبک‌های والدگری، یکی از عوامل واسطه‌ای در بین رفتارهای پرخطر و بنیان‌های شخصیتی و سیستم مغزی رفتاری تلقی می‌شوند.

محیط خانواده اولین و بادوام‌ترین عاملی است که در رشد شخصیت افراد تأثیر می‌گذارد و رفتارهای پدر و مادر به طور مداوم با سلامت روان کودکان و نوجوانان در ارتباط است

مسئولیت‌پذیری بالا می‌باشند و فرزندان آنان، اجتماعی و به طور مؤثری با کفایت‌اند و در نتیجه مشکلات رفتاری اندکی را نشان می‌دهند (Taheri, 2017).

با توجه به این که پیشینه‌های موجود در این حوزه یعنی سیستم مغزی رفتاری، ویژگی‌های شخصیتی و متغیر واسطه‌ای سبک‌های والدگری برای پیش‌بینی رفتارهای پرخطر توجه قابل ملاحظه‌ای نداشته است و تاکنون ارتباط تمام این متغیرها باهم در ایران بررسی نشده است این پژوهش در پی پیش‌بینی رفتارهای پرخطر بر طبق متغیرهای ذکر شده است. و برای دستیابی به هدف پژوهش حاضر نخست صحت و تأیید این پیش‌بینی که سیستم مغزی رفتاری، ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های والدگری با رفتارهای پرخطر نوجوانان در در رابطه است (Sadri, Damirchi, 2019; Hassani, & Khalaji, 2017; Faravani & et al, 2019; Tapper, et al 2015; 2016; Volkow Nora, & Morales, Stevens & et al, 2016; 2015; Eichen, & et al, 2016; Kim, & et al, 2016; Ghoreishi, Rad, Tajbadipour, & SeyedMirzaei, 2016; Derakhshan poor, & et & Pour JabbarAkhouni, 2017; David & Bearden, 2017; Gharagozloo, 2018; al, 2016; Gómez-Ortiz, Romera, & Sommer, & et al, 2017; 2016; Ortega-Ruiz, 2017; Taheri, 2017) بررسی شد. سپس به منظور آشکار شدن نقش واسطه‌ای سبک‌های والدگری در رابطه بین سیستم مغزی رفتاری، و ویژگی‌های شخصیتی با رفتارهای پرخطر دانش آموزان دوره دوم متوسطه این فرض که سیستم مغزی رفتاری و ویژگی‌های شخصیتی بر رفتارهای پرخطر اثر مستقیم و غیر مستقیم دارند، آزمون شد. با توجه به آنچه بیان شد فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر می‌باشد:

۱. سیستم مغزی رفتاری با رفتارهای پرخطر دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه رابطه مستقیم دارد.
۲. ویژگی‌های شخصیتی با رفتارهای پرخطر دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه رابطه مستقیم دارد.
۳. سبک‌های والدگری با رفتارهای پرخطر دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه رابطه مستقیم دارد.

نظم و انطباق مداوم در برابر ناسازگاری و ارتباط در مقابل فاصله‌گیری (NewmanI, HarrisonII, DashiffII & Davies, 2008). والدگری مقتدر که با درجه بالایی از گرمی و حمایت والدین، مشارکت در امور خانواده، سطوح بالای نظارت شناخته می‌شود، از شیوه‌های والدگری ایده‌آل است و این نوجوانان نسبت به نوجوانی که در دیگر سبک‌های والدگری رشد کرده‌اند، با رفتارهای پرخطر کمتری درگیر می‌شوند (گرمی و فیاضی، ۱۳۹۵). به طوری که سبک والدگری مستبدانه، موجب شکل‌گیری حس بی‌ارزشی در فرزندان می‌شود. افرادی که تجارب اولیه آن‌ها باعث شده تا خود را شایسته ارزیابی نکنند، با اجتناب از صمیمیت و ارزیابی منفی دیگران، روابط خصمانه و پرخطر را تجربه می‌کنند (David & Bearden, 2017; Gómez-Ortiz, Sommer, Babcock & Sharp, 2017; Romera, & Ortega-Ruiz, 2016).

از سویی سبک‌های والدگری به صورت غیر مستقیم از طریق ویژگی‌های شخصیتی با رفتارهای پرخطر رابطه دارد. به عنوان مثال ویژگی روان‌رنجورخویی باعث سبک والدگری مستبدانه و سخت‌گیرانه می‌شود، این والدین امکان کمتری به فرزندان خود برای ابراز عقاید، نظرات و احساسات می‌دهند در نتیجه این فرزندان نمی‌توانند استرس و نگرانی‌ها را با والدین در میان بگذارند و این عوامل باعث بالا رفتن رفتارهای پرخطر از جمله اعتیاد و پرخاشگری می‌شود (Klimstra, Crocetti & Hale 2011). همچنین پژوهش‌ها نشان داد که بین شیوه والدگری (مقتدر، سهل‌گیرانه و مستبدانه) و شخصیت برون‌گرا و درون‌گرا رابطه وجود دارد زیرا والدین مقتدر پیوسته گرم، مسئول و حمایت‌گر و به صورت منطقی روی فرزندان خود کنترل دارند. همچنین والدین روان‌رنجور به دلیل داشتن تیپ شخصیتی آشفته و همچنین داشتن ویژگی‌هایی نظیر افسردگی، اضطراب، استرس (stress)، خشم و بدبینی (pessimism) و بیگانگی اجتماعی (asociiaity) و روان‌رنجورخویی، مستعد استفاده از یک سبک والدگری افراطی دیکتاتورانه می‌باشند (Gharagozloo, 2018). همچنین در شیوه والدگری مقتدرانه والدین دارای سطح بالایی از کنترل و پاسخ‌دهی بوده زیرا این والدین دارای ویژگی شخصیتی متعهدانه و

مخالف (= ۱) سنجیده می‌شود. این پرسشنامه ۷ عامل خشونت، سیگار کشیدن، مصرف مواد مخدر، مصرف الکل، رابطه و رفتار جنسی و گرایش به جنس مخالف را شامل می‌شود. گرایش به مواد مخدر از سوال ۸-۱، گرایش به الکل، ۱۴-۹، گرایش به سیگار ۱۹-۱۵، گرایش به خشونت ۲۴-۲۰، گرایش به رابطه و رفتار جنسی، ۲۸-۲۵، گرایش به رابطه با جنس مخالف، ۳۲-۲۹، گرایش به رانندگی خطرناک، ۳۸-۳۳. بر اساس این روش از تحلیل نمره‌های به دست آمده را جمع کرده حدپایین نمره = ۳۸، حدمتوسط نمرات = ۱۱۴ و حد بالای نمرات = ۱۹۰ می‌باشد. در نتیجه نمره بین ۳۸ تا ۷۶: میزان خطرپذیری نوجوانان کم است. نمره بین ۷۶ تا ۱۱۴: میزان خطرپذیری نوجوانان متوسط است. نمره بالاتر از ۱۱۴: میزان خطرپذیری نوجوانان زیاد است. Zadeh (2011) و Mohammad & et al, (2011) اعتبار این مقیاس را به روش همسازی درونی و با کمک آلفای کرونباخ و روایی سازه آن با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی مطلوب گزارش داده‌اند. تحلیل عاملی اکتشافی با مولفه‌های اصلی نشان داد که این پرسشنامه مقیاسی هفت بعدی است، که ۶۴/۸۴ درصد واریانس خطرپذیری را تبیین می‌کند. میزان آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۹۴ و برای خرده مقیاس‌های آن در دامنه ۰/۹۳ تا ۰/۷۴ قرار داشت که بیانگر پایایی خوب این مقیاس است (Zadeh Mohammadi, et al, (2011).

به عنوان مثال (اگر به من موادی مثل گراس، تریاک یا اکس تعارف کنند، رد نمی‌کنم) یکی از ماده‌های این پرسشنامه است. آلفای کرونباخ به دست آمده از رفتارهای پرخطر در پژوهش حاضر ۰/۸۷ می‌باشد

پرسشنامه سیستم مغزی بازداری و فعال‌سازی رفتاری:

مقیاس سیستم‌های بازداری فعال‌سازی رفتاری (Behavioral Carver, & White (Activation Inhibition questionnaire در سال ۱۹۹۴ شامل ۲۴ ماده خود گزارشی است. سؤالات این مقیاس به صورت درجه‌ای و بر اساس مقیاس لیکرت نمره‌گذاری می‌شود. نمره یک نشان‌دهنده آن است که آن ماده فرد را خیلی خوب توصیف می‌کند و نمره پنج نشان می‌دهد که آن ماده فرد را توصیف نمی‌کند. زیر مقیاس BIS در این پرسشنامه شامل ۷ آیتام است که حساسیت سیستم

۴. سیستم مغزی رفتاری با رفتارهای پرخطر دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه به واسطه سبک‌های والدگری رابطه غیرمستقیم دارد.

۵. ویژگی‌های شخصیتی با رفتارهای پرخطر دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه به واسطه سبک‌های والدگری رابطه غیرمستقیم دارد.

روش

این پژوهش یک پژوهش نظری است. در این تحقیق چون بررسی روابط بین متغیرها هدف اصلی می‌باشد این پژوهش از نوع مطالعات توصیفی - همبستگی است، و مبتنی بر تحقیقات پیشین است. و در این تحقیق وجود یک متغیر میانجی با سایر متغیرها نیز برآورد می‌شود. جامعه آماری کلیه دانش‌آموزان (دختر و پسر) زیر ۱۸ سال دوره متوسطه منطقه ۴ استان قم می‌باشد. در سال تحصیلی ۹۸-۹۹ تشکیل می‌دهند. در این تحقیق به روش نمونه‌گیری در دسترس و حجم نمونه با توجه به توصیه (Kline (2011 مبنی بر آنکه برای هر عامل ۱۰ تا ۲۰ نفر کفایت می‌کند اما حداقل حجم نمونه ۲۰۰ قابل دفاع است (Kline, 2011). که در این پژوهش با توجه به آیتام‌های پرسشنامه‌ها (۷ عاملی رفتارهای پرخطر، ۲ عاملی سیستم مغزی رفتاری، ۳ عاملی سبک‌های والدگری و ۶ عاملی ویژگی‌های شخصیتی) ۲۰۰ نفر دانش‌آموز آموزش و پرورش منطقه ۴ قم انتخاب و پرسشنامه رفتارهای پرخطر (۳۸ ماده‌ای)، پرسشنامه سیستم مغزی بازداری و فعال‌سازی رفتار (۲۴ ماده‌ای)، پرسشنامه سبک‌های والدگری (۳۰ ماده‌ای) و پرسشنامه ویژگی‌های شخصیتی (۶۰ ماده‌ای) در اختیار آنان برای پاسخگویی گذاشته می‌شود.

ابزار سنجش

پرسشنامه رفتارهای پرخطر: مقیاس خطرپذیری نوجوانان (The scale of youth dangerousness) ایرانی توسط Zadeh (2011) Mohammad, Ahmadabadi, & Heidari تدوین شده است. این پرسشنامه ۳۸ ماده دارد که بر اساس یک مقیاس پنج‌درجه‌ای از نوع لیکرت (کاملاً موافق = ۵، تا کاملاً

Hosayni, & Sadegh Poor (2018) و برای BIS برابر ۰/۷۲ به دست آمد. به عنوان مثال (اگر فکر کنم چیز ناخوشایندی در حال رخ دادن است معمولاً خیلی هیجان زده می شوم). یکی از ماده‌های این پرسشنامه است. آلفای کرونباخ به دست آمده از سیستم مغزی رفتاری در پژوهش حاضر سیستم‌بازداری رفتاری، ۰/۶۸ و سیستم‌فعال‌ساز رفتاری، ۰/۷۷ می‌باشد.

پرسشنامه سبک‌های والدگری با مریند: از پرسشنامه سبک‌های والدگری Baumrind به منظور سنجش سبک‌های والدگری استفاده شد. این مقیاس توسط با مریند در سال ۱۹۷۲ طراحی شد و شامل ۳۰ ماده است که ۱۰ جمله آن شیوه‌های سهل‌گیرانه، ۱۰ جمله شیوه‌های استبدادی و ۱۰ جمله شیوه‌های مقتدرانه را می‌سنجد. بر حسب یک مقیاس ۵ درجه‌ای مشخص می‌کنند که از صفر تا ۴ نمره‌گذاری می‌شود و با جمع نمرات، ۳ نمره مجزا در مورد سبک‌های سهل‌گیر بودن و مستبد بودن مقتدرانه برای هر آزمودنی به دست می‌آید. ده عبارت مربوط به مقیاس سهل‌گیر: ۱-۱۰-۱۳-۱۴-۱۷-۱۹-۲۱-۲۴-۲۸، ده عبارت مربوط به مقیاس شیوه‌های استبدادی: ۲-۳-۷-۹-۱۲-۱۶-۱۸-۲۵-۲۶-۲۹ و ده عبارت مربوط به مقیاس مقتدرانه: ۴-۵-۸-۱۱-۱۵-۲۰-۲۲-۲۳-۲۷-۳۰. در نمونه اصلی میزان اعتبار این پرسشنامه با روش بازآزمایی ۰/۸۱ برای سبک سهل‌گیرانه، ۰/۹۲ برای سبک مستبدانه، و ۰/۹۲ برای سبک مقتدرانه گزارش شده است. همچنین برای روایی این پرسشنامه، رابطه بین سهل‌گیر بودن و مستبد بودن را (۰/۵۰-) و رابطه بین مقتدر بودن و مستبد بودن (۰/۵۲-) گزارش کرده‌اند (Buri, 1991) نقل از (Rowhani, & et al, 2019). در پژوهش فراهینی و همکاران اعتبار پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ، ۰/۷۴ برای مؤلفه استبدادی، ۰/۷۲ برای مؤلفه مقتدرانه، و ۰/۷۶ برای مؤلفه سهل‌گیرانه به دست آمد (Rowhani, & et al, 2019). به عنوان مثال (والدین باید به بچه‌های خود اجازه دهند تا هر آن چه را که می‌خواهند، انجام دهند) یکی از ماده‌های این پرسشنامه است. آلفای کرونباخ به دست آمده از سبک سهل‌گیرانه در پژوهش حاضر ۰/۷۹، سبک مستبدانه، ۰/۸۳ و سبک مقتدرانه ۰/۸۸ می‌باشد.

بازداری رفتاری یا پاسخ‌دهی به تهدید و احساس اضطراب هنگام رویارویی با نشانه‌های تهدید را اندازه می‌گیرد. زیرمقیاس BAS شامل ۱۳ آیتم است و حساسیت سیستم فعال‌ساز رفتاری را اندازه می‌گیرد. و این زیرمقیاس شامل ۳ زیر مقیاس دیگر است که عبارتند از: ۱) سائق که شامل ۴ آیتم است. ۲) پاسخ‌دهی به پاداش که بر روی پاسخ‌های مثبت نسبت به وقوع پاداش یا پیش‌بینی آن تمرکز دارد، در حالی که سائق، تمایل فرد را به تعقیب فعالانه اهداف مطلوب اندازه‌گیری می‌کند و زیر مقیاس جستجوی سرگرمی، شامل آیت‌هایی است که گرایش فرد برای پاداش جدید و میل به رسیدن و دستیابی به رویدادهای پاداش‌دهنده آنی را در برمی‌گیرد. چهار آیتم اضافی به عنوان آیت‌های پوششی در مقیاس آورده شده‌اند و نقشی در ارزیابی ندارند. زیر مقیاس BIS سوال‌های ۲-۸-۱۳-۱۶-۱۹-۲۲-۲۴. زیرمقیاس BAS که شامل سائق (BAS-DR) = ۳-۹-۱۲-۲۱، پاسخ‌دهی به پاداش (BAS-RR) = ۴-۷-۱۴-۱۸-۲۳ و جستجوی سرگرمی (BAS-FS) = ۵-۱۰-۱۵-۲۰. گزینه‌های ۱۷، ۱۱، ۶، ۱ در نمره‌گذاری هیچ تاثیری ندارند و صرفاً جهت هماهنگی با سایر آیت‌ها به پرسشنامه اضافه شده‌اند. بر اساس این روش از تحلیل نمره‌های به دست آمده را جمع کرده حداقل امتیاز ممکن ۲۴ و حداکثر ۹۶ می‌باشد. نمره بین ۲۴ تا ۴۰: حساسیت سیستم کم است، نمره بین ۴۰ تا ۶۰: حساسیت سیستم متوسط است و نمره بالاتر از ۶۰: حساسیت سیستم زیاد است (محمدی، ۱۳۸۷). به گزارش کارور و وایت ثبات درونی زیر مقیاس BIS ۰/۷۳ است ثبات درونی ۳ زیر مقیاس سائق، پاسخ‌دهی به پاداش و جستجوی سرگرمی به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۷۳، ۰/۶۶ است (Carver, & White, 1994). خصوصیات روان‌سنجی نسخه فارسی این مقیاس در ایران توسط (Moohamadi, 2008) در دانشجویان شیرازی مطلوب گزارش شده است. اعتبار به روش باز آزمایی برای مقیاس BAS، ۰/۶۸ و برای زیر مقیاس BIS، ۰/۷۱ گزارش کرده است (محمدی، ۱۳۸۷). همچنین در پژوهش‌های متعدد قابلیت اعتماد و درستی بالایی برای مقیاس‌های BIS/BAS گزارش شده است. ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای BAS در پژوهش Mosalman,

محدوده‌ای از ۰/۷۶ (صداقت فروتنی) تا ۰/۸۰ (برون‌گرایی) مشخص کردند. همچنین در ایران، ضرایب آلفای کرونباخ به ترتیب برای ابعاد تواضع فروتنی، تهییج‌پذیری، برون‌گرایی، سازگاری، باوجدان بودن، و گشودگی به تجربه ۰/۷۴، ۰/۸۱، ۰/۷۳، ۰/۷۱، ۰/۷۶ به دست آمده است (Abiri, Nezami & Fani, 2016). به عنوان مثال (اگر من از یک نمایشگاه هنری دیدن کنم به صورت کلی حوصله ام سر می‌رود) یکی از ماده‌های این پرسشنامه است آلفای کرونباخ به دست آمده از ابعاد شخصیت در پژوهش حاضر در صداقت و فروتنی ۰/۶۸، هیجان‌پذیری، ۰/۶۳، برون‌گرایی، ۰/۷۹، توافق، ۰/۷۴ و وظیفه‌شناسی ۰/۶۹ می‌باشد.

روش اجرا و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل کلیه اطلاعات با استفاده از نرم افزار SPSS بود. برای تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد و در آمار توصیفی از شاخص گرایش مرکزی مانند میانگین و میانه و از شاخص‌های گرایش پراکندگی چون واریانس، انحراف استاندارد و جداول مرتبط در بخش آمار استنباطی برای تحویل داده‌ها از روش همبستگی پیرسون و رگرسیون و به علت وجود متغیر میانجی از مدل‌یابی (معادلات ساختاری) استفاده شد.

پرسشنامه ویژگی‌های شخصیتی: پرسشنامه شخصیت Hexaco برگرفته از سرواژه‌های عامل‌های پرسشنامه می‌باشد. این پرسشنامه توسط Ashton & Lee (2000) تهیه شده، این پرسشنامه ۶۰ ماده می‌باشد و به معرفی شش عاملی جدیدی با عنوان هکزاگو پرداختند که از سرواژه عامل‌های صداقت (honesty) و فروتنی (humility)، هیجان‌پذیری (emotionality) برون‌گرایی (extraversion)، توافق (agreeableness) وظیفه‌شناسی (conscientiousness) بازبودن نسبت به تجربه (Openness to experience) دست آمده است. پاسخنامه دارای پنج گزینه‌ای می‌باشد. این ابزار سنجش ۶ عامل شخصیت در ۷ زبان فرانسوی، آلمانی، مجاری، هلندی، ایتالیایی، لهستانی و کره‌ای بررسی گردیده و در همه این زبان‌ها ساختار مشابهی را نشان داده است. نمره-گذاری این پرسشنامه به صورت لیکرت می‌باشد به این صورت که دامنه نمرات بین ۱ الی ۵ است نمره ۱ به کاملاً مخالفم و نمره ۵ به کاملاً موافقم اختصاص می‌یابد. سوال-های صداقت و فروتنی (۱-۱۰)، هیجان‌پذیری (۲۰-۱۱)، برون‌گرایی (۳۰-۲۱)، توافق (۴۰-۳۱) و وظیفه‌شناسی (۶۰-۵۱) و بازبودن نسبت به تجربه (۶۰-۵۱) می‌باشد (Abiri, Nezami & Fani, 2016). Ashton, Lee, Perugini & et al (2004). گذر مطالعه‌ای که انجام دادند پایایی مقیاس‌ها را در

جدول ۱. خلاصه یافته‌های توصیفی خطرپذیری، سبک‌های والدگری، سیستم مغزی رفتاری و شخصیت (n=۳۶۰)

متغیرها	M	SD	min	max	کجی	کشیدگی
رفتارهای پرخطر	۸۵/۲۸	۱۹/۷۸۰	۳۸	۱۲۸	-۰/۲۶۷	-۰/۴۴۲
سبک سهل‌گیرانه	۱۸/۷۴	۴/۸۲۳	۴	۳۵	-۰/۰۴۸	۰/۳۲۹
سبک مستبدانه	۱۷/۷۰	۵/۴۸۲	۲	۳۲	-۰/۲۱۱	۰/۲۶۰
سبک مقتدرانه	۲۱/۹۴	۶/۷۲۰	۳	۳۹	۰/۲۰۸	-۰/۰۷۶
سیستم بازداری رفتاری	۱۹/۲۸	۳/۲۰۱	۱۲	۲۸	۰/۲۲۵	-۰/۳۶۱
سیستم فعال‌ساز رفتاری	۳۶/۵۹	۴/۹۷۲	۲۵	۵۱	۰/۳۷۳	-۰/۱۹۹
صداقت و فروتنی	۳۲/۲۷	۵/۷۲۰	۱۵	۴۸	۰/۲۳۰	۰/۴۵۴
هیجان‌پذیری	۳۲/۵۰	۶/۴۰۸	۱۶	۵۰	۰/۱۳۹	۰/۰۴۱
برون‌گرایی	۳۲/۱۰	۵/۴۶۰	۱۳	۴۹	۰/۴۶۶	۰/۹۱۶
توافق	۳۲/۵۸	۶/۳۶۰	۱۷	۴۸	۰/۴۱۰	-۰/۱۰۰
وظیفه‌شناسی	۳۳/۴۹	۵/۴۹۴	۱۷	۴۸	۰/۰۹۲	۰/۱۳۳
بازبودن نسبت به تجربه	۳۳/۶۶	۵/۵۶۸	۲۱	۴۸	۰/۵۹۶	۰/۰۲۸

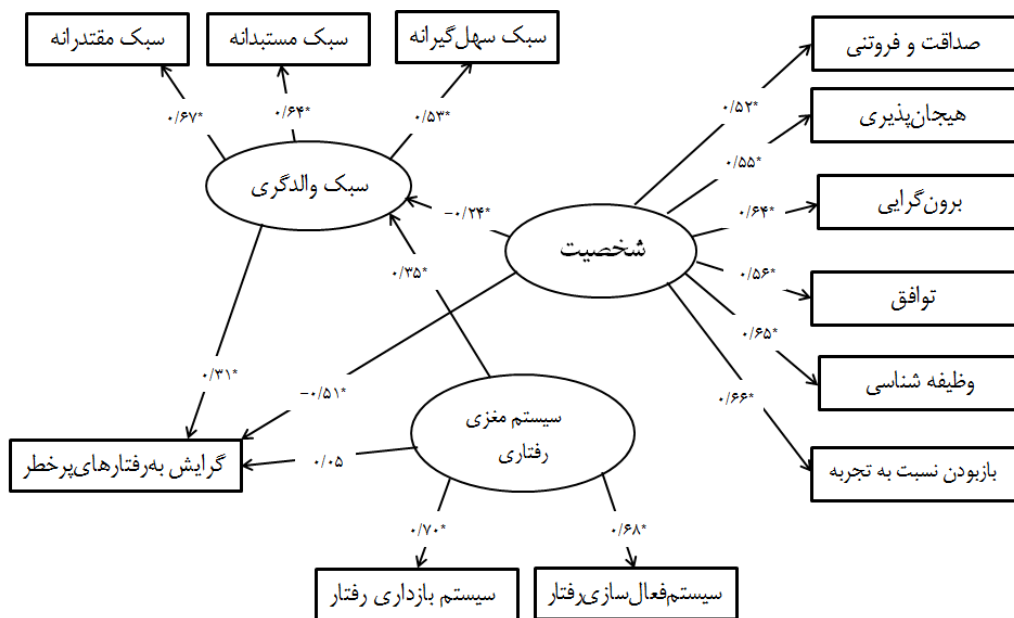
به منظور بررسی رابطه رفتارهای پرخطر نوجوانان با سیستم مغزی رفتاری (سیستم‌های بازداری و فعال‌سازی رفتار) و شخصیت (صداقت و فروتنی، هیجان‌پذیری، برون‌گرایی، توافق، وظیفه‌شناسی و بازبودن نسبت به تجربه) آن‌ها آزمون همبستگی گشتاوری پیرسون اجرا شد، پیش از اجرای این آزمون مفروضه‌های آن بررسی شده است.

والدگری رابطه بین سیستم مغزی رفتاری و ویژگی‌های شخصیتی با گرایش به رفتارهای پرخطر را واسطه‌گری می‌کند.

آزمون مدل‌یابی

نتایج حاصل از اجرای آزمون مدل‌یابی با روش بیشینه درست (maximum likelihood) جهت تعیین نقش واسطه‌ای والدگری در ارتباط بین سیستم مغزی رفتاری و ویژگی‌های شخصیتی با گرایش به رفتارهای پرخطر نوجوانان در شکل ۱ با ضرایب استاندارد و معناداری ضرایب هر یک از مسیرها به نمایش در آمده است.

نتایج حاصل در جدول ۱ نشان می‌دهد میانگین رفتارهای پرخطر نوجوانان گروه نمونه برابر ۸۵/۲۶ است که پایین‌تر از نمره متوسط ابزار است (دامنه ۳۸ تا ۱۹۰ و نمره متوسط ۱۱۴). در سبک‌های والدگری نیز سبک‌های مقتدرانه (۲۱/۹۴)، سهل‌گیرانه (۱۸/۷۴) و مستبدانه (۱۷/۷۰) به ترتیب بالاترین میانگین‌ها را داشتند. افزون بر آن میانگین سیستم‌های بازداری و فعال‌سازی رفتاری گروه نمونه به ترتیب برابر ۱۹/۲۸ و ۳۶/۵۹ به دست آمد. در شخصیت نیز میانگین بازبودن نسبت به تجربه، وظیفه‌شناسی، توافق، هیجان‌پذیری، صداقت و فروتنی به ترتیب برابر ۳۳/۶۶، ۳۳/۴۹، ۳۲/۵۸، ۳۲/۵۰، ۳۲/۲۷ و ۳۲/۱۰ بالاترین میانگین را داشتند. نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد هیچ یک از متغیرهای پژوهش انحراف جدی از توزیع بهنجار ندارند. بر اساس اغلب منابع کجی توزیع نمره‌ها در دامنه (۲ و -۲) و کشیدگی در دامنه (۳ و -۳) را می‌توان بهنجار فرض کرد، توزیع داده‌های هیچ یک از متغیرهای پژوهش از این دامنه‌ها تخطی نکرده است، بنابراین می‌توان توزیع داده‌ها را بهنجار فرض کرد (Howitt, Cramer, 2014).



شکل ۱. نمودار مسیرهای برازش یافته با مدل استاندارد ($P < 0.001$)

به منظور تعیین شاخص‌های برازش مدل، پژوهشگران نسبت خوبی دو به درجه آزادی کمتر از ۳، شاخص برازندگی تطبیقی (Comparative Fit Index CFI) شاخص برازندگی

به منظور تعیین شاخص‌های برازش مدل، پژوهشگران نسبت خوبی دو به درجه آزادی کمتر از ۳، شاخص برازندگی تطبیقی (Comparative Fit Index CFI) شاخص برازندگی

می‌دانند. در نتیجه با توجه به شاخص‌های به دست آمده در مدل ارایه شده ($\chi^2/df=2/707$), $GFI=0/993$, $CFI=0/980$, $AGFI=0/963$, $RMSA=0/078$, $NFI=0/979$) مدل از برازش مناسب و از شاخص‌های مطلوب برای ارزیابی مدل (Root Mean Square Error of Approximation RMSA) کمتر از ۰/۰۸ و شاخص برازندگی غیر تطبیقی Non-Normed Fit Index NFI) بزرگتر از ۰/۹۰ را از نشانه‌های برازش مناسب و از شاخص‌های مطلوب برای ارزیابی مدل

جدول ۲. خلاصه یافته‌های آزمون تحلیل مسیر

فرضیه‌ها (مسیرها)	تخمین استاندارد نشده	خطای استاندارد	مقدار بحرانی	تخمین استاندارد شده	واریانس تبیین شده
سیستم مغزی رفتاری ← والدگری	۱/۳۴۲	۰/۱۹۲	۶/۹۷۱*	۰/۳۵	۰/۲۹
شخصیت ← والدگری	-۰/۴۱۹	۰/۰۹۰	-۴/۶۴۹*	-۰/۲۴	
سیستم مغزی رفتاری ← رفتارهای پرخطر	۰/۱۵۰	۰/۱۴۷	۱/۰۲۰	۰/۰۵	۰/۴۲
شخصیت ← رفتارهای پرخطر	-۰/۸۱۷	۰/۰۶۷	-۱۲/۱۹۷*	-۰/۵۱	
والدگری ← رفتارهای پرخطر	۰/۲۷۷	۰/۰۳۶	۷/۶۲۳*	۰/۳۱	

* $P < 0/001$

"والدگری رابطه بین سیستم مغزی رفتاری و ویژگی‌های شخصیتی با گرایش به رفتارهای پرخطر را واسطه‌گری می‌کند" را تایید می‌کنند.

افزون بر آن نتایج آزمون تحلیل مسیر در جدول ۳ بیانگر آن است که سیستم مغزی رفتاری، ویژگی‌های شخصیتی و والدگری توانایی تبیین ۴۷ درصد از واریانس گرایش به رفتارهای پرخطر نوجوانان را دارند.

یافته‌های این پژوهش نشان دادند بین سیستم مغزی رفتاری و ویژگی‌های شخصیتی با گرایش به رفتارهای پرخطر نوجوانان خود رابطه معنادار وجود دارد. بر اساس نتایج آزمون مدل یابی نشان داد والدگری در رابطه سیستم مغزی رفتاری و ویژگی‌های شخصیتی با گرایش به رفتارهای پرخطر نوجوانان با گرایش به رفتارهای پرخطر نوجوانان اثر غیر مستقیم معنادار (نقش واسطه‌ای) دارد که این یافته‌ها تایید فرضیه اصلی و فرضیه‌های فرعی پژوهش است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر والدگری رابطه بین سیستم مغزی رفتاری و ویژگی‌های شخصیتی با گرایش به رفتارهای پرخطر را واسطه‌گری می‌کند. که نتایج همسو با نتایج

نتایج جدول ۲. حاصل از آزمون مدل‌یابی در مدل ارایه شده نشان می‌دهد که اثر مستقیم سیستم مغزی رفتاری ($\beta=0/35$, $C.R.=6/971$ و $P<0/001$) به صورت مثبت و اثر مستقیم شخصیت ($\beta=-0/24$, $C.R.=-4/649$ و $P<0/001$) به صورت منفی بر والدگری معنادار هستند.

افزون بر آن نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد اثر مستقیم شخصیت ($\beta=-0/51$, $C.R.=-12/197$ و $P<0/001$) به صورت منفی و اثر مستقیم والدگری ($\beta=0/31$, $C.R.=7/623$ و $P<0/001$) به صورت مثبت بر گرایش به رفتارهای پرخطر نوجوانان معنادار هستند. اما اثر مستقیم سیستم مغزی رفتاری ($\beta=0/05$, $C.R.=1/020$ و $P>0/05$) بر گرایش به رفتارهای پرخطر نوجوانان معنادار نیست.

همچنین نتایج نشان داد اثر غیرمستقیم سیستم مغزی رفتاری ($\beta=0/20$) به صورت مثبت و اثر غیرمستقیم ویژگی‌های شخصیت ($\beta=-0/12$) به صورت منفی بر گرایش به رفتارهای پرخطر نوجوانان با واسطه سبک‌های والدگری معنادار است. این یافته‌ها نشان دادند نظام‌های سیستم مغزی رفتاری و ویژگی‌های شخصیت با واسطه سبک‌های والدگری، بر گرایش به رفتارهای پرخطر نوجوانان اثر غیرمستقیم معنادار دارند که فرضیه پژوهش مبنی بر این که

نمایند تا بدین‌ترتیب، اضطراب وی را کاهش دهند. تصمیم‌گیری والدین برای کودک و فراهم نمودن خودمختاری و استقلال اندک برای وی، ترس‌های کودک را کاهش داده و فرصت اندکی را برای وی، فراهم می‌سازد تا به طور موفقیت‌آمیزی در تصمیم‌گیری درگیر گردد. وقتی این کودکان بزرگ‌تر می‌شوند، گرایش والدین به فراهم نمودن خودمختاری و استقلال کمتر در کودک، ممکن است سیستم بازداری را در وی تقویت کرده و در وی باور را پرورش دهد که بزرگسالان باید همواره کودک را کنترل کنند و فرایند تصمیم‌گیری، فرایندی بسیار دشوار می‌باشد و کاری است که بزرگسالان باید انجام دهند و کسی باید همواره در این فرایند کودک را یاری نماید. در تبیین دیگر می‌توان گفت حتی والدینی که سیستم بازداری فعالی دارند، از فرزندان‌شان بیشتر حمایت کرده و آنان را بیشتر کنترل می‌کنند. و باعث تقویت سیستم بازداری آن‌ها نیز می‌شوند به صورتی که آنان از کاوش فرزندان‌شان در محیط و جست‌وجوی محرک‌های جدید پیشگیری نموده و در نتیجه، فرزندان‌شان به مهارت‌های مقابله جهت چالش محیطی دست نمی‌یابند. چنین کودکی به این باور می‌رسد که کاوش در محیط و تسلط بر آن، فراتر از ظرفیت مقابله وی می‌باشد و بدین‌ترتیب، در مواجهه با رویدادهای محیطی از راهبردهای اجتناب، کناره‌گیری و وابستگی به مراقب استفاده می‌کند و به بیان دیگر، سیستم بازداری کودک فعال خواهد شد. از سوی دیگر، والدین بیش‌حمایت‌کننده الگویی از پاسخ‌های اضطرابی را به کار می‌بندد که به کودک می‌آموزد که مشکلات تهدیدکننده و غیر قابل حل هستند در چنین شرایطی کودک نیز در آینده همین الگوی پاسخ همراه با نگرانی را در مواجهه با رویدادهای محیطی به کار می‌بندد و بدین‌ترتیب والدین بیش‌حمایت‌کننده، یا مستبد فرزندان را می‌پروراند که دارای سیستم بازداری رفتاری فعال‌تری می‌باشند. ولی با بالا رفتن سطح اضطراب با در نظر گرفتن این نکته که غلبه سیستم مهارگری مغز و حساسیت بالای آن نسبت به نشانه‌های اضطراب و هیجانات منفی، نشان‌دهنده عوامل زیستی زمینه‌ساز در نوجوانان مستعد اعتیاد و سیگار و مشروبات الکلی خواهد بود؛ همچنین اگر سبک‌های والدگری به جز سبک مقتدرانه

Orm & et al Schofield, Holst & Murphy (2017)
 Asgharpor, Z., Eichen & et al (2020)
 Edwards & et al Zarbakhsh, Bahri., M. R. (2018)
 Tajbadipour & Bornstein, & Shaffer, (2017)
 Stevens, Tapper & et al (2015)
 SeyedMirzaei (2016)
 Hassani, Cheah, Y. K & et al (2019).
 Davoodi, David & Bearden (2017)
 Khalaji & (2017)
 Mehrabi Zadeh Honarmand, & Hashemi, seyed
 Romero & et Derakhshan poor & et al (2016)
 Rowhany, Jalali & Ren & Edwards (2017)
 Sadri Sommer & et al (2017)
 Mousavi (2019)
 Taheri & et al (2017)
 Damirchi & et al (2019)
 Ghoreishi, Rad & Pour Jabbar Akhouni (2017)
 Gharagozloo & et al (2018).
 Faravani & et al (2019)
 Kim-Spoon & et al Kim & et al (2019)
 Corr, (2016)
 Li & Xie (2017)
 Carlo & et al (2017)
 Gómez-Ortiz & et al Gorostiaga & et al (2019)
 Hayee & et al (2020)
 Wang & et al (2020)
 می‌باشد.

نتایج آزمون تحلیل مسیر بیانگر آن است که سیستم مغزی رفتاری، ویژگی‌های شخصیتی و والدگری توانایی تبیین ۴۷ درصد از واریانس گرایش به رفتارهای پرخطر نوجوانان را دارند. یافته‌های این پژوهش نشان دادند بین سیستم مغزی رفتاری و ویژگی‌های شخصیتی با گرایش به رفتارهای پرخطر نوجوانان خود رابطه معنادار وجود دارد. بر اساس نتایج آزمون مدل یابی نشان داد والدگری در رابطه سیستم مغزی رفتاری و ویژگی‌های شخصیتی با گرایش به رفتارهای پرخطر نوجوانان با گرایش به رفتارهای پرخطر نوجوانان اثر غیر مستقیم معنادار (نقش واسطه‌ای) دارد که این یافته‌ها تایید فرضیه اصلی و فرضیه‌های فرعی پژوهش است. که در تبیین این نتایج می‌توان گفت برای ارتباط میان سیستم بازداری رفتاری و سبک‌های والدگری و ارتباط آن با رفتارهای پرخطر می‌توان گفت، وقتی کودکی به طور سرشتی مضطرب و ترسو باشد، والدین ممکن است تلاش کنند تا وی را هدایت کرده، از او حمایت کنند و او را تشویق

می‌دانند و بیان می‌دارند که نوجوانان در محیط‌های خانوادگی مسامحه‌کار، در سازش با محیط دچار مشکل می‌شوند. باید توجه داشت که داشتن انتظارات متناسب با توانایی‌های فرزندان همراه با حد معقولی از محبت موجب افزایش پشتکار و خودکارایی فرزندان می‌شود. در صورتی که وجود اقتدار غیرمنطقی که براساس میل والدین به تسلط بر فرزند باشد به احساس طردشدگی، پرخاشگری و در نهایت افسردگی منجر می‌شود. نهایتاً در تبیین احتمالی این یافته می‌توان گفت رابطه گرم بین اعضای خانواده و خصوصاً با فرزندان (ناشی از سبک تربیتی مقتدرانه) امکان جذب آن‌ها را به خانواده بیشتر می‌کند. بنابراین، والدین نقش بسیار کلیدی و با اهمیتی در بروز و یا پیشگیری از رفتارهای پرخطر فرزندان را به عهده دارند (Li & Carlo & et al, 2017؛ Cheah & et al, 2017؛ Xie, 2017؛ Hayee & et al, 2020). زیرا آماده ساختن فرد برای زندگی در خارج از محیط خانوادگی یکی از بزرگترین وظایف اجتماعی والدین است و کیفیت روابط خانوادگی، تأثیر عمیق و پایداری بر تحول روانی افراد بر جای می‌گذارد.

همچنین بین سبک‌والدگری استبدادی و ویژگی شخصیتی هیجان‌پذیری منفی و روان‌رنجوری افسردگی، اضطراب و استرس نوجوانان رابطه مثبت معناداری وجود دارد چنان‌چه تحقیقات (Bin-Bin & Shijin, 2017) و Hayee & et al (2020) نشان دادند شرایط محیطی اوایل زندگی و سبک‌های والدگری به ویژگی‌های شخصیتی در بزرگسالی مرتبط است یعنی هرچه سبک‌والدگری به سمت سبک والدگری استبدادی می‌رود افسردگی، اضطراب و استرس فرزندان آن‌ها به مراتب بیشتر خواهد شد همچنین David & Bearden (2017) نشان دادند سبک والدگری مستبدانه، موجب شکل‌گیری حس بی‌ارزشی در فرزندان می‌شود. افرادی که تجارب اولیه آن‌ها باعث شده تا خود را شایسته ارزیابی نکنند، با اجتناب از صمیمیت و ارزیابی منفی دیگران، (شخصیت درون‌گرا، بی‌اعتمادی) روابط خصمانه و پرخطر را تجربه می‌کنند (Hastings, Miller & Troxel, 2015). و بین سبک‌های والدگری مقتدر و افسردگی، اضطراب و استرس رابطه منفی معناداری وجود دارد یعنی

باشد باعث به وجود آمدن پریشانی عاطفی در فرزندان می‌شود (Daghters & et al, 2019) توانایی فرد برای حفظ رفتار هدفمند، زمانی که پریشانی عاطفی تجربه می‌شود توسط مکانیزم‌های عصبی، پایین‌بالا می‌شوند و همان‌طور که بیان شد تفاوت‌های فردی در حساسیت سیستم‌های مغزی رفتاری به‌عنوان عامل زیربنای طیف گسترده‌ای از اختلالات روانی در نظر گرفته می‌شود که خود باعث بروز رفتارهای پرخطر از جانب نوجوانان خواهد بود زیرا نتایج به دست آمده در مطالعه روی مصرف‌کنندگان و افراد دارای وابستگی به مواد، عدم تحمل احساسات عاطفی به‌عنوان یک کلید برای شرح مکانیسم اساسی ابقاء و نگهداری مصرف مواد پیشنهاد شده است (Faravani & et al, 2019). در نتیجه این مورد که سیستم مغزی رفتاری به صورت مستقیم و غیر مستقیم با رفتارهای پرخطر رابطه دارد در تحقیقات گذشته نیز تایید شده است. در صورتی که هرچه فرد خود تنظیمی و توانایی حل مسئله بالاتر و یا سیستم مغزی رفتاری متعادل‌تری داشته باشد از والدین گرم و حامی برخوردار می‌باشد، و احتمال آن که در گروه دارای رفتارهای پرخطر قرار گیرد کاهش می‌یابد. شیوه‌های تربیتی والدین و میزان نظارت آن‌ها بر عملکرد فرزندان، اهم بزرگوارنده خوبی برای جلوگیری از ابتلای نوجوانان به رفتارهای پرخطر است و هرچه میزان نظارت و کنترل والدین (البته متعادل و منطقی) در خانواده بیشتر باشد، به همان نسبت میزان ابتلای فرزندان به رفتارهای پرخطر مانند اعتیاد، سیگار، رفتارهای پرخطر جنسی و رفتاری کمتر خواهد بود (Sommer & et al, 2017). افزایش سبک والدگری مقتدرانه با کاهش رفتارهای پرخطر در نوجوانان همراه است ولی با افزایش سبک‌های والدگری استبدادی و سهل‌گیرانه با افزایش رفتارهای پرخطر در نوجوانان همراه است شیوه تربیتی اقتدارگرا یکی از عوامل مؤثر در پیشگیری و حفاظت نوجوانان از رفتارهای پرخطر بوده است (Ren & Edwards 2017) و شیوه تربیتی مسامحه‌کار که در آن کنترل و گرمای کافی ارائه نمی‌شود، با سطوح بالاتر خطرپذیری همبسته است پژوهش‌گران کیفیت خوب والدگری را با توسعه سطوح بالای عزت نفس، کنترل رفتاری و مقاومت در برابر فشار دوستان و در نهایت کاهش خطرپذیری در ارتباط

از جمله مصرف مشروبات الکلی و استعمال دخانیات است. و اما والدین اقتدارگرا سعی می‌کنند فعالیت‌های فرزندان را به شیوه منطقی و مباحثه محور هدایت کنند. این والدین گفتگوی شفاهی را تشویق می‌کنند. دلایل رفتارهای شان را با کودک در میان می‌گذارند. و وقتی فرزندان از پیروی کردن امتناع می‌کنند، اعتراض خود را بیان می‌کنند. این والدین کنترل جذب بر رفتار فرزندان اعمال می‌کنند ولی آنان را محدود نمی‌سازند. این والدین بر دیدگاه خود به عنوان یک بزرگسال تاکید می‌کنند، اما علائق شخصی فرزندان و راه‌های خاص را نیز به رسمیت می‌شناسند و در نظر می‌گیرند. والدین اقتدارگرا به رغم داشتن کنترل بر فرزندان خود نسبت به آنان انعطاف‌پذیر هم هستند. آنان با دلیل و منطق، شرایطی را که می‌خواهند فرزندان‌شان بپذیرند توضیح می‌دهند. به طور کلی خود مختاری فرزندان‌شان را می‌پذیرند و افکار نقادانه را تشویق می‌کنند. که این امر سبب می‌شود که فرزندان فشاری جهت عملکرد و انجام کارها از جانب والدین نداشته باشند و در نتیجه میزان اضطراب و استرس و افسردگی آن‌ها به کمترین سطح کاهش پیدا کند و در آن‌ها ویژگی شخصیتی صداقت و وظیفه‌شناسی رشد پیدا می‌کند پس هرچه که در واقع سبک‌والدگری والدین به سمت رفتارهای قاطعانه پیش رود میزان متغیرهای معیوب در فرزندان به میزان چشمگیری کاهش پیدا خواهد کرد، و در نتیجه شکل‌گیری شخصیت متعادل و بهنجار خواهد بود و به دنبال آن رفتارهای سالم فرزندان را در پی خواهد داشت (Rowhani & et al, 2019; Carlo & et al, 2017). شیوه‌های تربیتی والدین و میزان نظارت آن‌ها بر عملکرد فرزندان، اهرم بازدارنده خوبی برای جلوگیری از ابتلای نوجوانان به اعتیاد است و هرچه میزان نظارت و کنترل والدین (البته متعادل و منطقی) در خانواده بیشتر باشد، به همان نسبت میزان ابتلای فرزندان کمتر خواهد بود. یافته دیگر این تحقیق این است که در نوجوانان از بین سبک‌های والدگری، سبک‌های سهل‌گیر و مستبد و در نوجوانان هر سه مولفه سبک‌های والدگری با مولفه عاطفی نگرش به اعتیاد رابطه معنادار دارد. می‌توان گفت که احتمالا والدین هر قدر در سبک‌های والدگری خود از اقتدار منطقی

هرچه سبک‌والدگری به سمت قاطع پیش رود افسردگی، اضطراب و استرس در فرزندان به کمترین سطح خود خواهد رسید. به‌طور کلی در جو خانوادگی عاری از حمایت و اطمینان، این احتمال وجود دارد که ویژگی‌های شخصیتی منفی مانند روان‌رنجورخویی در فرزندان پرورش پیدا کند، یا اگر ویژگی‌های شخصیتی بالقوه مثبتی مانند باز بودن نسبت به تجربه در آن‌ها شکل بگیرد، از آن در جهت منفی مانند پیگیری رفتارهای پرخطر نظیر اعتیاد به ماده مخدر استفاده می‌کنند (Bornstein & Shaffer, Dijkstra & et al, 2017). نتایج به دست آمده از این پژوهش با تحقیقاتی (Gómez-Ortiz & et al, 2016; Sommer & et al, 2017) که در زمینه رابطه سبک‌های والدگری انتخابی و رفتارهای سازگار و ناسازگار کودکان و نوجوانان صورت گرفته همسو می‌باشد به طوری که داشتن پدر و مادری مقتدر شکل‌گیری شخصیت سالم و در نتیجه بهترین نتیجه را برای فرزندان به دنبال دارد و کمترین گرایش به رفتارهای پرخطر را به دنبال داشته است همگی این محققان در تحقیقات خود دریافتند که خانواده و سبک‌والدگری انتخابی آن‌ها می‌تواند نقش بسیار مؤثری را در شکل‌گیری رفتارهای سازگار و ناسازگار در نوجوانان ایفا کند. چنان‌چه (Cheah & et al 2019) نیز نشان دادند که عوامل فردی و شخصیتی و بالاخص خانواده نیز در شکل‌گیری رفتارهای پرخطر از جمله مصرف مشروبات الکلی در ارتباط است. یافته‌های این پژوهش نیز این موضوع را تایید می‌کند به طوری که استفاده از سبک‌والدگری استبدادی می‌تواند آثار سوئی را بر فرزندان به ویژه در سنین نوجوانی بر جا گذارد و سبب شکل‌گیری شخصیت افسردگی، اضطراب و استرس و بی‌اعتماد در آن‌ها گردد. والدین مستبد در برخوردهای انضباطی‌شان والدینی خشن هستند که از تنبیه‌های سخت استفاده می‌کنند و کنترل و سخت‌گیری بیش از حد آن‌ها موجب ایجاد ساختار تربیتی انعطاف‌ناپذیری می‌شود که این شیوه تربیتی خشونت‌آمیز و غیر منعطف می‌تواند منجر به شخصیت نابهنجار در نوجوانان و به طبع آن بروز مشکلات رفتاری در فرزند شود (Gómez-Ortiz & et al, 2016). تحقیق (Gorostiaga & et al 2019) نیز بیانگر ارتباط سبک‌های والدگری غیرمعتبر با بروز رفتارهای پرخطر

این زمینه را کنترل کند. توصیه می‌شود پژوهش‌های بعدی متغیرهای مداخله‌کننده بیشتری را مدنظر قرار دهند. یک محقق دلسوز همواره به دنبال آن است که مسائل مبتلا به جامعه را زیر ذره‌بین علت‌یابی گذاشته، ابعاد و جوانب آن را روشن نماید تا به این طریق مسئولین امر را در جهت راه‌حل‌ها و برنامه‌ریزی‌ها یاری رساند. توصیه می‌گردد که در تحقیقات آتی، سایر مسائل و مشکلات قشر جوان مورد بررسی قرار گیرد، زیرا این گروه به عنوان نیروی کارآمد و پرتوان بالفعل می‌بایست عهده‌دار مسئولیت‌های مملکت گردند. چه بسا شناخت و توجه به خصوصیات و مسائل آنان، زمینه سازندگی و پویایی بیشتر این قشر را فراهم می‌سازد و به موازات عدم توجه به نیازها و مشکلات جوانان، بازتاب‌های ناخوشایندی را برای خود، خانواده و جامعه‌یشان در برخواهد داشت. بنابراین بهتر است به تحقیقات گسترده‌تری در مورد مسائل جوانان و روش‌های رفع مشکلات آنان پرداخته شود. از لحاظ کاربردی، با توجه به نتایج پژوهش حاضر، می‌توان: به مدیران و مسئولین آموزشی پیشنهاد می‌گردد با استفاده از برنامه‌ریزی‌های مداخله‌ای روان‌شناختی، برنامه‌های رفتاری آموزشی ویژه و برگزاری کارگاه‌های آموزشی در جهت کاهش عوامل زمینه‌ساز، از جمله کاهش ابراز هیجان منفی و سیستم فعال‌سازی رفتاری در گروه نوجوانان، از بروز رفتارهای پرخطر جلوگیری کنند. از آنجایی که خانواده یک کانون فرهنگی اجتماعی مهم به شمار می‌آید و نقش بسزایی در پیشگیری از مسائل آسیب‌زای افراد در آینده دارد، با آموزش شیوه‌های والدگری صحیح با تأکید بر روش مقتدرانه به والدین می‌توان در کاهش رفتارهای پرخطر کمک کرد. با توجه به نتایج پژوهش حاضر، به منظور جلوگیری از گرایش و شیوع به رفتارهای پرخطر نزد جوانان پیشنهاد می‌شود که سطح آگاهی خانواده‌ها و متولیان امور تربیتی در زمینه عوامل تأثیرگذار بر صفات و ویژگی‌های شخصیتی فرزندان افزایش یابد. به طوری که آنان آگاهانه در فرآیند تربیت فرزندان خود مانع از شکل‌گیری ویژگی‌های شخصیتی شوند که در ارتکاب رفتارهای پرخطر تأثیرگذارند و ویژگی‌هایی را در فرزندان خود رشد دهند که در مقابله با این رفتارها یاری رسانند.

دور شوند و بیشتر از سبک‌های والدگری مستبدانه و سهل‌گیرانه استفاده کنند، چون طرفدار شیوه منطقی همراه با مشورت نیستند و هیچگونه نظارتی بر رفتار فرزندان خود ندارند، زمینه را برای گرایش؛ آن‌ها به اعتیاد فراهم می‌کنند. این تحقیق مطابق با یافته‌دیگر در این زمینه است (Sommer & et al, 2017; Gómez-Ortiz & et al, 2016). از یافته‌های این پژوهش می‌توان برای شناسایی زودهنگام افراد دارای گرایش به رفتارهای پرخطر استفاده کرد؛ بدین صورت که با اجرای آزمون‌های شخصیتی معتبر (برای مثال، فرم کوتاه آزمون شخصیت نئو می‌توان نوجوانان و جوانان مستعد رفتارهای پرخطر را غربال کرد و آموزش‌های لازم را برای آن‌ها در نظر گرفت. به این نکته نیز باید توجه داشت که چون افراد دارای هیجان‌خواهی زیاد همیشه نیازمند محرک‌های گوناگون، جدید و حاوی چاشنی خطر هستند، لازم است تا فعالیت‌های محرک بی‌خطر در دسترس جامعه باشد.

لازم به ذکر است که در این پژوهش مانند پژوهش‌های دیگر، محدودیت‌هایی وجود داشته است؛ در نهایت باید به محدودیت‌هایی اشاره کرد که با ایجاد موانع در راه تعمیم نتایج درجچه‌هایی را به سوی پژوهش‌های آینده در این زمینه می‌گشایند. از محدودیت‌های این تحقیق می‌توان عدم تفکیک افراد با پایگاه اجتماعی، اقتصادی و... محدود بودن نمونه پژوهشی به دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه را اشاره کرد. هرچند در مطالعه حاضر سعی شده از نمونه معرف جمعیت دانش‌آموزی استفاده شود، ولی به دلیل محدودیت‌های مالی و عدم همکاری برخی مدارس، عملاً شرکت کنندگان فقط از چند مدرسه انتخاب شدند که مسلماً نمی‌تواند معرف تمامی دانش‌آموزان باشد و تعمیم‌پذیری نتایج را به کل دانش‌آموزان محدود می‌کند. بنابراین، توصیه می‌شود پژوهش‌های بعدی با نمونه‌های معرف‌تری از جامعه دانش‌آموزان اجرا شود. محدودیت بعدی، عدم بررسی نقش علل روانی، خانوادگی و اجتماعی در گرایش به رفتارهای پرخطر بود. این محدودیت ناشی از آن بود که پژوهش حاضر در پی یافتن روابط متغیرهای شخصیتی و رفتارهای پرخطر بود و طبیعتاً نمی‌توانست همه متغیرهای دخیل در

- academic outcomes in US Mexican adolescents. *Child Development*, 88, 139-175.
- Cheah, Y. K., Lim, H. K., & Kee, C. C. (2019). Personal and Family Factors Associated With High-risk Behaviours Among Adolescents in Malaysia. *Journal of Pediatric Nursing*, 48, 97-92.
- Corr, P. J. (2016). "Reinforcement sensitivity theory of personality questionnaires: Structural survey with recommendations". *Personality and Individual Differences*, 89, 60-64.
- Costa, P. T., & McCrae, R. R. (1992). Revised NEO Personality Inventory (NEO-PI-R) and NEO Five-Factor Inventory (NEO-FFI) professional manual. Odessa: *Psychological Assessment Resources*; 52-8.
- David, M. E., & Bearden, W. O. (2017). The role of interpersonal attachment styles in shaping consumer preferences for products shown in relational advertisements. *Personality and Individual Differences*, 109, 44-50.
- David, M. E., & Bearden, W. O. (2017). The role of interpersonal attachment styles in shaping consumer preferences for products shown in relational advertisements. *Personality and Individual Differences*, 109, 44-50.
- Davoodi, F., Mehrabi Zadeh Honarmand, M., & Hashemi, seyed Esmail. (2017). The causal relationship between parenting styles and insecure attachment style with willingness to protest, from The way of mediation is personality traits and identity styles in students *Quarterly Journal of Research on Addiction*, 11 (42), 125-140.
- Derakhshan poor, F., KHaky, S., Shahini, Mohamad Ali., & Saghby, Seyed Ali. (2016). The relationship between mothers' mental health and parenting style in children with ADHD. *Attention Fundamentals of Mental Health*, 18(3), 5-151. [Persian]
- Diclemente, R. J., Hansen, W. B., & Ponton, L. E. (Eds). (2013). *Handbook of adolescent health risk behavior*. New York, NY: Springer Science & Business Media.
- Dijkstra, P., Barelds, D. P., Ronner, S., & Nauta, A. P. (2017). Intimate relationships of the intellectually همچنین افزایش آگاهی دانشجویان و جوانان در زمینه مدیریت هیجانات و بهداشت روانی نقش بسیار زیادی در کاهش رفتارهای پرخطر دارد.
- منابع**
- Abiri, F., Nezami, L, Fani, S. (2016). Comparison of six personality dimensions based on the HEXACO model in diabetic and healthy individuals in Bonab city, Iran. *Journal of Diabetes Nursing*, 4 (1): 54-63. [Persian]
- Alizadegani, F., Akhavan Tafti, M., Sadat Kadkhodaie, M. (2019). Identification of the Causes of Teenagers' Attitude towards High-risk Behaviors and Examining Gender Differences: A Qualitative Study in Tehran *Journal of Research in Health Sciences*. 8 (2) :86-97[Persian]
- Asgharpor, Z., Zarbakhsh, Bahri., M. R. (2018). The Mediating Role of Parental Psychological Aggression and Physical Punishment in the Relationship of Parenting Styles with Bullying. *child mental health*, 5 (1) :68-79. [Persian]
- Ashton, M. C., Lee, K. & Son, C. (2000). Honesty as the sixth factor of personality: Correlations with Machiavellianism, primary psychopathy, and social adroitness. *European Journal of Personality*, 14, 359-368.
- Barlas, J., & Egan, V. (2006). Weapons carrying in British teenagers: The role of personality, delinquency, sensational interests, and mating effort. *The Journal of Forensic Psychiatry & Psychology*, 17(1), 53-72.
- Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *Journal of Early Adolescence*, 11, 56-95.
- Bornstein, J. X., & Shaffer, A. (2017). Examining trait self-control and communication patterns in romantic couples using the actor-partner interaction model. *Personality and Individual Differences*, 106, 222-225.
- Carlo, G., White, R., Streit, C., Knight, G. P., & Zeiders, K. H. (2017). Longitudinal relations among parenting styles, prosocial behaviors, and

- gifted: attachment style, conflict style, and relationship satisfaction among members of the mensa society. *Marriage & Family Review*, 53, 262-280.
- Edwards, B. G., Carre, J. R., & Kiehl, K. A. (2019). A review of psychopathy and Cluster B personality traits and their neural correlates in female offenders. *Biological Psychology*, 148:107740.
- Eichen, D. M., Chen, E. Y., Schmitz, M. F., Arlt, J. & McCloskey, M. S. (2016). "Addiction vulnerability and binge eating in women: Exploring reward sensitivity, affect regulation, impulsivity & weight/shape concerns". *Personality and Individual Differences*, 100, 16-22.
- Erdle, S., & Rushton, J. P. (2010). The general factor of personality, BIS–BAS, expectancies of reward and punishment, self-esteem, and positive and negative affect. *Personality and Individual Differences*, 48, 919-1.
- Faravani, R., Amini, N., Deyreh, E., Shafiabadi, A. (2019). Structural Equation Modeling Prediction Addiction Potential Based on Independence/Incompetence Schema and Distress Tolerance with Mediation of Brain-Behavior Systems Among Students in Karaj. *Culture of Counseling Quarterly and Psychotherapy*. 10(38), 31-58. [Persian]
- Faria, Y. d.O., Gandolfii, L., & Moura, L. B. A. (2014). Prevalence of risk behaviors in young university students. *Acta Paul Enferm*, 27(6):591-595.
- Gary, J. A., Mc Naughtan, N. (2000). The neuropsychology of anxiety. Oxford psychology series, Gary, J. A. (2000). The neuropsychology of anxiety. *Oxford psychology series*, 33(4).
- Gharagozloo, N., atadokht, A., basharpoor, S., narimani, M. (2018). Path analysis of mothers parenting style with components of their personality type (A.B.C.D) and religious orientation. CPAP. Biannual. *Journal of Clinical Psychology & Personality*, 1(30): 119-130. [Persian]
- Ghoreishi, Rad, F. S, Pour JabbarAkhouni, F. (2017). Investigating the Relationship of Social Health and Personality Traits with High-Risk Behaviors of Tabriz University of Medical Sciences Students in. *journal. rums*, 18 (2): 107-20. [Persian]
- Gómez-Ortiz, O., Romera, E. M., & Ortega-Ruiz, R. (2016). Parenting styles and bullying: The mediating role of parental psychological aggression and physical punishment. *Child abuse & neglect*, 51, 132-143.
- Gorostiaga, A., Aliri, J., Balluerka, N., & Lameirinhas, J. (2019). Parenting Styles and Internalizing Symptoms in Adolescence: A Systematic Literature Review. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 16(17), 3192.
- Hastings, P., Miller, J., & Troxel, N. R. (2015). *Making good: The socialization of children's prosocial development*. In J. Grusec & P.D. Hastings (Eds.), *Handbook of socialization: Theory and research* (pp. 637–666). New York: Guilford Press.
- Hassani, J., Khalaji, Z. (2017). The Structural Relationship Model of Brain Behavior Systems Activity, Process Emotion Regulation Strategies and Risky Behavior. *Neuropsychology*, 3(2), 133-146. [Persian]
- Hatcher, S. S., King, D. M., Nordberg, A., Bryant, D., & Woolen, C. C. (2018). Suicidality and other health risk behaviors among female youth in juvenile detention. *Social Work in Public Health*, 33 (2), 114–124.
- Hayee, F., Fongkaew, W., Chanpravit, C., Kaewthummanukul, T., Voss, J. G. (2020). Sexual risk behaviors and influencing factors among Muslim adolescents on southern border of Thailand. *International Journal of Adolescent Medicine and Health*, doi: 10.1515/ijamh-2019-0221. Online ahead of print.
- Kamran, M., besharat, M. A., & ghorbani, N. (2019). Predicting children's interpersonal problems in terms of parenting styles. *Journal of Rooyesh Ravanshensi*, 8 (2) :143-152. [Persian]

- Kim, Y. K., Yu, M., Cronley, C., & Yang, M. (2019). Peer victimization, depression, and sexual risk behaviors among high school youth in the United States: a gender-based approach. *The International Journal of Adolescent Medicine and Health*, doi: 10.1515/ijamh-2019-0139. Online ahead of print.
- Kim-Spoon, J., Deater-Deckard, K., Holmes, C., Lee, J., & Chiu, P. (2016). "Behavioral and neural inhibitory control moderates the effects of reward sensitivity on adolescent substance use". *Neuropsychologia*, 91, 318- 326.
- Klimstra, T., Crocetti, E., & Hale, W. W. (2011). Identity formation in juvenile delinquents and clinically referred youth. *European Review of Applied Psychology*, 61,123-130.
- Kline, R. B. (2011). *Principles and Zpractice of structural equation modeling (3rded.)*. New York: GuilfordPress.
- Li, X., & Xie, J. (2017). Parenting styles of Chinese families and children's social-emotional and cognitive developmental outcomes. *European Early Childhood Education Research Journal*, 25, 637-650.
- Martínez, S M. A., Leiva, O. A.M., Sotomayor, C. C., Victoriano, R. T., Von Chrismar, P. A. M. & Pineda, B. S. (2012). Cardiovascular risk factors among university students. *Revista médica de Chile*. 140(4):426-35..
- Mosalman, M., Hosayni, A. , & Sadegh Poor, M. (2018). Prediction of Addiction Readiness Based on Behavioral Activation and Inhibition of Systems (BIS/BAS) and Cognitive Abilities Among Students in Amol Institute of Higher Education. *mcs. ajaums*, 5 (2) :146-155. [Persian]
- Mokhtarnia I, Zademohammadi A, Habibi M, Mirzaifar F. A. (2017). causal model of impact character of emotional instability on tendency risky behaviors in adolescents with Role of Mediating attitudes to drug use in adolescents. *etiad pajohi*, 10(40), 161-180. [Persian]
- NewmanI, K., HarrisonII, L., DashiffII, C, & Davies, S. (2008). *Relationships between parenting styles and risk behaviors in adolescent health: an integrative literature review*.
- Orme, W. H., Szczepanek, A. E., Allen, J.G., Oldham, J. M., Madan, A., Frueh, B.C., & Fowler, J. C. (2020). Lifetime and prospective associations among personality trait domains and suicide-related behaviors in patients with severe mental illness. *Journal of Affective Disorders*, 1(266),492-497.
- Park, S. M., Park, Y. A., Lee, H. W., Jung, H. Y., Lee, J. Y, Choi, J. S., et al. (2013). The effects of behavioral inhibition/approach system as predictors of internet addiction in adolescents. *Personality and Individual Differences*, 54, 711.
- Poormohseni Kalory, F., & Tehrani, M. (2015). An investigation of the role of behavioral-brain systems and perceived parenting styles in Students' perfectionism. *daneshvar med .shahed*, 23 (4) :43-54. [Persian]
- Ren, L., & Edwards, C. P. (2017). Chinese parents' expectations and child preacademic skills: The indirect role of parenting and social competence. *Early Education and Development*, 28, 1-20.
- Romero, D. L., Barros, D. M., Belizario, G. O., & Serafim, A. P. (2019). Personality traits and risky behavior among motorcyclists: An exploratory study. *Journal pone*. 5;14(12).
- Rowhany, N. S., Jalali, M. R., & Mousavi, S. A. M. (2019). The Relationship between Personality Traits, Attachment Styles, and Parental Styles with Children's Physical Health. *chil dmental health*, 6 (3) :215-227. [Persian]
- Sadri Damirchi, E., Honarmand Ghojebegloo, P., Amir, S M B., & Gholizade, B. (2019). Predicting Risk-Taking Behaviors Based on the Role of Perceived Social Support Components, Emotional Expression and Brain- Behavioral Systems in Addicts. *Horizon of Medical Sciences*, 25 (4): 282-297. [Persian]
- Schofield, T. J., Holst, M. E & Murphy, S. K. (2017), Associations between Parenting and Mental Health. *Associations between Parenting and Mental Health*. 98-104.

- Sommer, J., Babcock, J., & Sharp, C. (2017). A dyadic analysis of partner violence and adult attachment. *Journal of Family violence*, 32, 279-290.
- Steinberg, L. (2019). *Adolescence*. New York: McGraw-Hill.
- Stevens, L., Verdejo-García, A., Roeyers, H., Goudriaan, A. E. & Vanderplasschen, W. (2016). "Delay discounting, treatment motivation and treatment retention among substance-dependent individuals attending an inpatient detoxification program". *Journal of Substance Abuse Treatment*, 49: 58–64.
- Taheri, N., Shirzadegan, R., Elhami, S., Mahmoudi, N., Ban M, & Sarvandian, S. (2017). Parents' parenting styles with perfection in single-parent families and several children. *Journal of Nursing, Midwifery and Paramedical Faculty*, 3 (2): 58-73 [Persian]
- Tajbadipour, S. SeyedMirzaei, S. Z. (2016). Risky behaviors and their relationship with personality traits, depression. *Islam Humani*, 18 (1), 738-53. [Persian]
- Tapper, K., Baker, L., Jiga-Boy, G., Haddock, G., & Maio, G. R. (2015). "Sensitivity to reward and punishment: Associations with diet, alcohol consumption, and smoking". *Personality and Individual Differences*, 72(0), 79-84.
- Varela-Mato, V., Cancela, J. M., Ayan, C., Martín, V., & Molina, A. (2013). Lifestyle and health among Spanish university students: Differences by gender and academic discipline. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 9(8), 2728-41.
- Volkow Nora, D. & Morales, M. (2015). "The brain on drugs: From reward to addiction". *Cell*, 162(4), 712–725.
- Wang, W., Yang, Y., Kelifa, MO., Li, S., Cao, Y., Li, X., & Yan, H. (2020). Associations Between Personality Traits and Patterns of HIV Risk Behaviors Among Young Men Who Have Sex with Men in China. *AIDS Res Hum Retroviruses*. 2020 Jul 9. doi: 10.1089/AID.2019.0291. Online ahead of print.
- Zadeh Mohammadi, A., Ahmadabadi, Z., & Heidari, M. (2011). Construction and Assessment of Psychometric Features of Iranian Adolescents Risk-Taking Scale. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 17(3), 218-225. [Persian]
- Zisseron, R. N., & Palfai, T. P. (2007). Behavioral Activation System (BAS) sensitivity and reactivity to alcohol cues among hazardous drinkers. *Addict Behav journal*; 09:9698-81.